



شماره ۱۰۰، آریه‌ای
پروژه همکاری‌های علمی بین‌المللی



چارچوب مرجع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان

حوزه‌های دستور، واژه و کارکرد
برای سطوح پایه، میانی و پیشرفته

دکتر مهین ناز میردهقان

دکتر امیررضا وکیلی فرد

زینب منتظری راد

فرشته باقری

نویسندگان

عنوان و نام پدیدآور:	چارچوب مرجع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان حوزه‌های دستور، واژه و
کارکرد برای سطوح پایه، میانی و پیشرفته / مولفان مهین‌ناز میردهقان... [و دیگران].	
مشخصات نشر:	تهران: نشر خاموش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	۴۸۰ ص:، جدول، نمودار.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲-۱۲-۷
وضعیت فهرست نویسی:	فیبیا
یادداشت:	مولفان مهین‌ناز میردهقان، امیررضا وکیلی‌فرد، زینب منتظری‌راد، فرشته باقری.
موضوع:	فارسی -- کتاب‌های درسی برای خارجی‌ان
موضوع:	Persian language -- Textbooks for foreign speakers
موضوع:	فارسی -- راهنمای آموزشی -- خارجی‌ان
موضوع:	Persian language -- Study and teaching -- Foreign speakers
شناسه افزوده:	میردهقان، مهین‌ناز، ۱۳۴۶ -
رده‌بندی کنگره:	PIR ۲۸۲۷/ج ۲۱۳۹۵
رده‌بندی دیویی:	۸۴۴/۲۴
شماره کتابشناسی ملی:	۴۲۸۹۶۹۱

چارچوب مرجع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان

حوزه‌های دستور، واژه و کارکرد
برای سطوح پایه، میانی و پیشرفته

مولفان:

دکتر مهین‌ناز میردهقان

عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر امیررضا وکیلی‌فرد

عضو هیات علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

زینب منتظری‌راد

کارشناس رشد زبان‌شناسی / آرفا دانشگاه شهید بهشتی

فرشته باقری

کارشناس رشد زبان‌شناسی / آرفا دانشگاه شهید بهشتی



نام کتاب:	چارچوب مرجع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان حوزه‌های دستور، واژه و کارکرد برای سطوح پایه، میانی و پیشرفته
مولفان:	مولفان مهین‌ناز میردهقان، امیررضا وکیلی‌فرد، زینب منتظری‌راد، فرشته باقری
ویراستار:	مجید شمس‌الدین
چاپ / شمارگان:	اول / ۳۰۰
قطع:	رقعی
مجری تولید:	موسسه چاپ و نشر سلام
مدیر تولید:	مرتضی قاسم‌پور
طرح جلد و صفحه‌آرایی:	مجید شمس‌الدین
قیمت:	گالینگور ۴۳۰۰۰ تومان، شومیز ۳۸۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۳۳۰-۱۲-۷
کلیه حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.	
ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰	

پیشگفتار نویسندگان

لزوم برنامه‌ریزی در راستای تقویت و گسترش زبان فارسی به عنوان زبان دوم جهان اسلام و ترویج فرهنگ ایرانی اسلامی از اهمیتی شایان توجه برخوردار است؛ به گونه‌ای که در نقشه‌ی جامع علمی کشور ارتقای جایگاه زبان فارسی در میان زبان‌های بین‌المللی به عنوان یکی از اهداف کلان نظام علم، فن‌آوری و نوآوری معرفی شده است. یکی از راه‌های دستیابی به این مهم، گسترش دامنه‌ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است و از ملزومات آن و ایجاد انگیزه برای یادگیری آن را می‌توان در تهیه محتوای آموزشی مناسب و کاربردی دانست. تهیه‌ی چنین محتوایی مستلزم برنامه‌ریزی‌هایی دقیق است و در این راستا وجود چارچوبی مرجع که نمایانگر اصول کلی بوده و بتواند نقشه‌ی راه را در طراحی محتوا برای سطوح مختلف زبانی به دست دهد از ضروری‌ترین بخش‌های این راهبرد به شمار می‌آید.

در این راستا گزینش و سطح‌بندی محتوا در طراحی منابع آموزش زبان از اهمیتی بسیار برخوردار است تا آنجا که گاه موفقیت و عدم موفقیت يك

دوره آموزشی بر مبنای ارزیابی محتوای آموزشی آن تعریف می‌شود. گرچه در سال‌های اخیر درس‌نامه‌ها و کتاب‌هایی فراوان در حیطه‌ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان به چاپ رسیده است، متأسفانه فقدان چارچوبی معیار برای ارزیابی محتوا و یا حتی گزینش و سطح‌بندی نظام‌مند، باعث شده تا به جز معدودی از آن‌ها نتایج آموزش حاصل از تدریس آن‌ها چندان موفقیت‌آمیز نباشد. در این کتاب تلاش کرده‌ایم تا با به‌کارگیری چارچوب مرجع اروپا برای آموزش زبان، و با گزینش و سطح‌بندی سه حوزه دستور، واژگان و کارکرد برای زبان فارسی، و بومی‌سازی این چارچوب برای فارسی به ارائه چارچوبی جامع برای آموزش زبان فارسی بپردازیم و شاخص و معیاری را در طراحی و برنامه‌ریزی دوره‌های آموزشی و درس‌نامه‌های زبان فارسی ارائه نماییم؛ تا از این رهگذر طراحان و مدرسان و برنامه‌ریزان دوره‌های آموزشی بتوانند با توجه به علایق و نیازهای خاص زبان‌آموزان خود و یا اهداف دوره‌های آموزشی خاص، به راحتی مواد آموزشی موردنیاز خود را به صورت استاندارد از این سه مجموعه گزینش نمایند. این چارچوب از آن رو برگزیده شد، که چارچوبی فراگیر در سراسر جهان است و در زبان‌های مختلف غیراروپایی، از جمله ژاپنی، چینی، عربی نیز به سبب ماهیت زبانی خنثی، از آن بهره‌برداری شده است. به علاوه این چارچوب بافت-آزاد، منعطف و باز بوده و در نتیجه امکان بازنگری، اصلاح و بومی‌سازی آن مطابق با شرایط مختلف وجود دارد. همچنین رویکرد این چارچوب به آموزش و یادگیری زبان رویکردی کنش‌محور بوده که برای شیوه‌های آموزش ارتباطی بسیار مطلوب می‌باشد.

۱. گام‌های تهیه‌ی چارچوب

برای تهیه‌ی این مجموعه چند گام به شرح زیر برداشته شد:

در گام نخست پس از بررسی مجموعه‌های معتبر آموزش زبان و کتاب‌های

تخصصی آموزشی در هر حوزه، پیکره‌ی حوزه‌ها و نکات دستوری، واژگانی و کارکردی گردآوری گردید. در گام دوم پیکره‌ی جمع‌آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با نظر اساتید آموزش زبان و زبانشناسی تأیید و نهایی شد. در گام سوم، با توجه به نکات هر حوزه، شش پرسشنامه مجزا برای مدرسان زبان فارسی و زبان‌آموزان طراحی شد و در گام چهارم از مرحله‌ی اجرای میدانی پژوهش، پرسشنامه‌ها در اختیار مدرسان و فارسی‌آموزان در مراکز مختلف آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در سطح کشور قرار گرفت تا مدرسان بر اساس تجربه و تخصص آموزشی خود و زبان‌آموزان بر اساس احساس نیاز و علاقمندی خود به آن پاسخ گویند. در گام پنجم پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و وارد نمودن داده‌ها در نرم‌افزارهای آماری و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از جمع‌آوری داده‌ها، نکات هر سطح در هر یک از حوزه‌های دستور، واژگان و کارکردها بر اساس توافق نظر مدرسان و زبان‌آموزان تعیین و نهایتاً در گام ششم، چارچوب سطح‌بندی شده حوزه‌های مختلف در سه سطح پایه، میانی و پیشرفته به صورت جداول کاربردی برای بهره‌برداری مؤلفان درسنامه‌ها و برنامه‌ریزان دوره‌های درسی ارائه شده است. در مجموع ۲۷۸ حوزه واژگانی، ۱۱۹ حوزه دستوری، ۱۸۴ حوزه کارکردی مختلف زبان فارسی گزینش و در سه سطح دسته‌بندی شده است که امکان افزایش تعداد سطوح و گسترش زیرسطح‌ها با توجه به ساختار باز و منعطف چارچوب و بنا بر متغیرهایی چون طول دوره آموزش، مجموع ساعت‌های آموزش، نوع دوره آموزش و اهداف آن، یا نیازهای زبان‌آموزان وجود دارد. چارچوب پیشنهادی حاصل برای آموزش سه حوزه فوق در زبان فارسی، در عین ایجاد وحدت رویه و توافق در مورد سطوح مختلف زبانی، طراحی و ارزیابی سطح درس‌نامه‌ها و سطح مهارتی زبان‌آموزان را نیز آسان‌تر خواهد نمود. این کتاب را می‌توان به عنوان نخستین گام اساسی و ضروری در تولید چارچوبی مرجع، جامع و مشترک برای نظام‌مندسازی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان برشمرد.

۲. مهمترین ویژگی‌های مجموعه

از مهمترین ویژگی‌های این چارچوب محتوایی می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. جمع‌آوری جامع حوزه‌های دستوری، واژگانی و کارکردی مختلف؛
۲. توجه ویژه به نظرات، نیازها، علایق و سلیق زبان‌آموزان؛
۳. تکیه بر نظرات تخصصی مدرسان و جایگاه ویژه‌ی آن‌ها در تصمیم‌گیری؛
۴. ارائه روشن نتایج کار و محتوای هر یک از سطوح آموزشی در جداول نظام‌مند متعدد، مطابق با نیازهای گوناگون گروه‌های مختلف، جهت دسترسی آسان‌تر و بهره‌برداری بهتر و استفاده مولفان کتاب‌های درسی و برنامه‌ریزان دوره‌های آموزشی؛
۵. باز و منعطف بودن ساختار چارچوب، به گونه‌ای که با افزایش داده‌ها امکان اصلاح و بازنگری در آن فراهم است.

۳. درباره‌ی کتاب

کتاب «چارچوب مرجع زبان فارسی» چیست؟

این کتاب در سه حوزه‌ی اصلی آموزش زبان فارسی به مدرسان، مؤلفان کتاب‌های درسی و آموزشی و درسنامه‌ها و همچنین برنامه‌ریزان دوره‌های آموزشی کمک می‌کند، تا از میان حوزه‌های جمع‌آوری و سطح‌بندی شده بنابر نیازهای مجموعه‌ی زبان‌آموزان هدف خود گزینش نموده و بر آن اساس به تولید محتوا بپردازند.

در حوزه‌ی دستور زبان فارسی: مجموعاً ۱۱۹ نکته در سه سطح پایه، میانی و پیشرفته دسته‌بندی شده‌اند.

در حوزه‌ی واژه‌های زبان فارسی: مجموع ۲۷۸ حوزه‌ی واژگانی در سه سطح پایه، میانی و پیشرفته جای گرفته‌اند.

در حوزه‌ی کارکردها و موقعیت‌ها: ۱۸۴ حوزه و موقعیت جمع‌آوری شده در

سه سطح پایه، میانی و پیشرفته قرار گرفته‌اند.

ذکر این نکته قابل توجه است که، هدف از طراحی این چارچوب تجویز نسخه‌ی واحد و غیرقابل تغییر برای طراحان و مؤلفان کتاب‌های درسی نیست، بلکه آن را باید شاخصی برای سنجش میزان تطابق محتواهای آموزشی با نیازهای زبان‌آموزان و الزامات دوره‌های آموزشی و راهنمایی برای هماهنگ‌سازی سطوح استاندارد آموزش زبان فارسی دانست.

ساختار کتاب چگونه است؟

در فصل اول کتاب مبنای نظری که چارچوب زبان فارسی بر اساس آن تهیه و تولید شده است، به تفصیل شرح داده شده است. در ابتدای فصل ویژگی‌های یک چارچوب و اصول طراحی آن بیان شده و سپس معیارهای گزینش و سطح‌بندی و محتوای آموزش زبان به طور کلی و اختصاصات گزینش دستوری، واژگانی و کارکردی مورد بررسی قرار گرفته است. سطوح مرجع زبانی و تعریف توانش دستوری، واژگانی و کارکردی و رویکرد کنش‌گرا نیز در همین فصل مطرح شده‌اند. در فصل دوم به پیشینه‌ی پژوهش‌های مرتبط با طراحی چارچوب اشاره شده و پس از معرفی چارچوب مرجع اروپا، روش علمی مورد استفاده برای تهیه چارچوب مرجع فارسی توضیح داده شده است. در فصل سوم نحوه‌ی جمع‌آوری پیکره‌ی دستوری و سطح‌بندی حوزه‌های دستوری به تفکیک نظرات مدرسان و زبان‌آموزان ارائه شده است. به همین ترتیب در فصل‌های چهارم و پنجم نحوه‌ی جمع‌آوری پیکره‌های واژگانی و کارکردی به تفکیک نظرات مدرسان و زبان‌آموزان ارائه شده است. واکاوی داده‌های حاصل از پژوهش در فصل ششم و با همین عنوان انجام گرفته است و پس از بررسی میزان توافق نظرات مدرسان و زبان‌آموزان سطح‌بندی نکات هر یک از حوزه‌های دستور، واژگان و کارکردها در هر سه سطح انجام شده است و در فصل هفتم کتاب محتوای این چارچوب ارائه شده است. در فصل

پایانی کتاب به ارائه‌ی نتیجه‌گیری و جمع‌بندی کلی از پژوهش پرداخته شده که همراه با جداول سطح‌بندی نهایی برای محتوای آموزشی سه سطح پایه، میانی و پیشرفته آورده شده است. قابل ذکر آنکه به منظور تسهیل امر برای خوانندگان در آغاز هر فصل پیش‌نمای آن مشتمل بر مهم‌ترین عناوین مطرح ارائه شده است. همچنین هر فصل با مقدمه‌ای کوتاه آغاز و با خلاصه‌ی فصل به عنوان چکیده‌ای از اهم مطالب آن به اتمام رسیده است.

کتاب در بخش پایانی شامل پنج پیوست است: پیوست اول فراوانی آماری سطح‌بندی انجام گرفته از سوی مدرسان و زبان‌آموزان در مورد نکته‌های دستوری را نشان می‌دهد، پیوست دوم شامل فراوانی آماری سطح‌بندی انجام گرفته از سوی مدرسان و زبان‌آموزان درباره‌ی حوزه‌های واژگانی است، پیوست سوم نیز فراوانی آماری سطح‌بندی انجام گرفته از سوی مدرسان و زبان‌آموزان در حوزه کارکردها و موقعیت‌های زبان فارسی را مشخص می‌کند. پیوست چهارم به جهت تسهیل دسترسی به محتوای هر یک از حوزه‌ها جداولی کاربردی از محتوای هر سه حوزه و در هر سه سطح ارائه می‌کند. استفاده از جدول نموداری، یافتن جایگاه هر حوزه را در نمای کلی پیکره چارچوب آسان‌تر می‌سازد. در پیوست پنجم نیز جداول مربوط به میزان همپوشانی و توافق نظر بین دو گروه پاسخگو برای نشان دادن مثبت و منفی بودن یا معناداری این تفاوت آورده شده است. جداول آماری پیوست‌ها از این نظر حائز اهمیت هستند که امکان تحلیل و بررسی و روشن شدن ابهام‌های احتمالی را برای خوانندگان کتاب فراهم می‌سازد. همچنین ارائه‌ی شفاف نتایج کار نیز مورد توجه نویسندگان بوده است و از این نظر ارائه این نتایج در حوزه‌ی پژوهش‌های مربوط به آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در نوع خود بی‌نظیر است.

چه کسانی و چگونه می‌توانند از این کتاب استفاده نمایند؟

به طور کلی دست‌اندرکاران حوزه‌ی تهیه و تدوین منابع آموزشی، تدریس،

ارزشیابی و برنامه‌ریزی هریک به نوبه‌ی خود می‌توانند از این کتاب بهره‌مند شوند. از جمله موارد کاربرد این چارچوب می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

◀ مؤلفان و تهیه‌کنندگان کتاب‌های درسی و درسنامه‌های آموزش زبان فارسی می‌توانند بر اساس این چارچوب و با توجه به نیازها، علایق و سلیق جامعه هدف زبان‌آموزانی که کتاب‌ها برای آنها طراحی می‌شود، درسنامه‌هایی طراحی کنند که در عین وجود تنوع و تفاوت در بین آنها مبنای مشترک و جامعی وجود دارد که همین چارچوب است.

◀ مدرسان زبان فارسی در سراسر دنیا می‌توانند کتاب‌های آموزش زبان فارسی را طبق این چارچوب بررسی نموده و متناسب‌ترین مجموعه را برای فرایند تدریس خود انتخاب نمایند.

◀ طراحان آزمون‌های زبانی و آزمونگران می‌توانند بر اساس این چارچوب محتوای مطابق با هر سطح را انتخاب نموده و به طراحی آزمون بپردازند و در ارزشیابی‌های خود به سنجش محتوای مربوط به هر سطح بپردازند.

◀ برنامه‌ریزان دوره‌های آموزش زبان فارسی می‌توانند در طراحی دوره‌های آموزشی با توجه به طول دوره و امکانات در دسترس، از محتوای دستوری، واژگانی و کارکردی هر سطح چارچوب گزینش نمایند.

جداول چارچوب کاملاً کاربردی بوده و به گونه‌ای طراحی شده‌اند که می‌تواند از میان محتوای دستوری، واژگانی و کارکردی هریک از سطوح پایه، میانی و پیشرفته به راحتی گزینش صورت گیرد.

۴. جان کلام

نبود چارچوبی مشترک و عدم شفافیت محتوای سطوح آموزشی در حوزه‌ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان موجب شده است تا کتاب‌ها و درسنامه‌های آموزشی بدون تکیه بر مبنای نظری واحد و علمی طراحی شوند. اهمیت این امر محدود به حوزه‌ی تهیه و تدوین محتوا نیست، بلکه در زمینه‌ی طراحی دوره‌های آموزشی، آزمون‌های بسندگی، ارزشیابی مهارت‌ها و

توانایی‌های مختلف زبان‌آموزان نیز مشخص بودن محتوای هر سطح آموزشی از اصلی‌ترین نیازها است. با توجه به ضرورت ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های این حوزه، نویسندگان بر آن شدند تا چارچوبی مشترک و جامع را طراحی و پیشنهاد نمایند تا مدرسان، طراحان برنامه‌های درسی، آزمونگران زبان و کسانی که قصد تهیه و تدوین محتوای آموزشی دارند بتوانند فعالیت‌های خود را مبتنی بر به‌روزترین استانداردهای بین‌المللی در حوزه‌ی آموزش زبان به انجام برسانند.

تهیه‌ی پیکره‌ی محتوایی در هر یک از حوزه‌های دستور، واژگان و کارکرد، در سطوح مختلف پایه، میانی و پیشرفته، نخستین و اصلی‌ترین گام در طراحی یک چارچوب زبانی است. بر این اساس در کتاب پیش رو، با به‌کارگیری و بومی‌سازی چارچوب مرجع اروپا برای آموزش زبان، گزینش و سطح‌بندی سه حوزه دستور، واژگان و کارکرد برای زبان فارسی به انجام رسید، تا با ارائه‌ی شاخص و معیاری در طراحی و برنامه‌ریزی دوره‌های آموزشی و درس‌نامه‌های زبان فارسی بتوان به چارچوبی جامع برای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان دست یافت.

این کتاب را می‌توان نخستین گام در تهیه چارچوبی مرجع، جامع و مشترک برای نظام‌مندسازی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانست. تلاشمان بر آن است تا از رهگذر برداشتن گامی در راستای ایجاد هماهنگی بیشتر در نظام آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بتوانیم شاهد افزایش گرایش روز افزون غیر فارسی‌زبانان به آموختن زبان فارسی و گسترش این زبان در سرتاسر جهان، جهت دستیابی به اهداف ترسیم شده در نقشه جامع علمی کشور و تبدیل آن به زبان علم باشیم.

همانند هر کار آغازینی این کار نیز بی‌شک از نواقص و مشکلاتی برخوردار است، که امیدواریم با راهنمایی همکاران و علاقمندان به این حوزه بتوانیم

حوزه‌های دستور، واژه و کارکرد * ض

در مراحل آتی به رفع آنان بپردازیم.

در اینجا بر خود لازم می‌دانیم از حمایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در چاپ این اثر و نیز از نشر خاموش که با همکاری همه جانبه خود انتشار آن را در کوتاه‌ترین زمان ممکن میسر ساخت کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم.

تابستان ۹۵

فصل نخست:

مبنای نظری چارچوب زبان فارسی

پیش‌نمای فصل

- ۱- مقدمه
- ۲- مفهوم و کاربرد چارچوب
- ۳- ضرورت وجود یک چارچوب مرجع
- ۴- خصوصیات یک چارچوب مرجع
- ۵- تاریخچه‌ی مختصر چارچوب مرجع اروپایی
- ۶- مفهوم مهارت زبانی
- ۷- سطوح مرجع مهارت زبانی
- ۸- توانش زبانی
- ۹- توصیف گستره‌ی دانش واژگانی
- ۱۰- تسلط دستوری
- ۱۱- تسلط واژگانی
- ۱۲- رویکرد کنش‌گرا
- ۱۳- کنش‌های زبانی
- ۱۴- مبانی گزینش و سطح بندی محتوای زبانی
- ۱۵- خلاصه‌ی فصل

۱- مقدمه

در فصل حاضر، پس از ارائه‌ی مفهوم و کاربرد چارچوب، به ارائه‌ی دلایل ضرورت وجود یک چارچوب مرجع برای آموزش زبان، خصوصیات و ویژگی‌های مناسب و علمی یک چارچوب مرجع مورد بررسی واقع شده و به اصول و مبانی طراحی چارچوب پرداخته شده است. به دنبال آن تاریخچه‌ی مختصر چارچوب مرجع اروپایی شرح داده شده و مفاهیم بنیادینی که در یک چارچوب زبانی مورد توجه هستند، از جمله مفهوم مهارت زبانی، سطوح مرجع مهارت زبانی و توانش زبانی بیان شده‌اند. اصول، مبانی و معیارهای گزینش و سطح‌بندی محتوای زبانی به طور عام و محتوای دستوری، واژگانی و کارکردی به طور خاص در ادامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲- مفهوم و کاربرد چارچوب

وجود یک چارچوب برای هر نوع فعالیت تخصصی ضرورت دارد و محدود به امر آموزش نمی‌باشد. در واقع در اکثر مشاغل تخصصی، تعاریف دقیقی از مهارت‌ها و روند ضروری برای کسب تخصص افراد ارائه شده است.

چارچوب‌ها شامل روندها و فرایندهای کلی مرتبط با اجرای موفقیت آمیز یک برنامه و نهایتاً ضمانت کلی و توصیف جامعی برای دستیابی به اهداف آموزشی و حرفه‌ای هستند. وجود یک چارچوب برای آموزش زبان صرفاً برای مدرسان مفید فایده نخواهد بود، بلکه جامعه‌ی گسترده‌تری از جمله زبان‌آموزان را هم شامل می‌شود. یک چارچوب حرفه‌ای، فضایی را برای یادگیری فراهم می‌آورد که زبان آموز را در یافتن مسیر مناسب برای آموزش و تعیین اهداف مشخص برای فراگیری کمک می‌کند. قرار دادن بنیان آموزش بر یادگیری فردی، منجر به فراگیری با تمرکز بر نقاط ضعف و قوت در آموزش شده و رسیدن به یک دریافت کلی از مفهوم سطوح یادگیری را ممکن می‌سازد و در نهایت باعث تسهیل دستیابی به اهداف واقع‌گرایانه و حقیقی در آموزش می‌شود.

نورث (۲۰۰۷) اظهار می‌دارد که هدف چارچوب مرجع اروپایی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

(الف) ایجاد یک فرا زبان مشترک برای صحبت در مورد اهداف و ارزشیابی آموزشی

(ب) ترغیب مشارکت‌کنندگان برای تأمل بیشتر در اعمال فعلی خود، خصوصاً در ارتباط با واکاوی نیازهای آموزشی زبان‌آموزان، تعیین اهداف و پیگیری پیشرفت

(پ) توافق بر نکات مرجع مبتنی بر نوشته‌های دهه ۱۹۷۰ در مورد اهداف آموزش زبان

چارچوب آموزشی که در این کتاب معرفی می‌شود، جوانب مختلف و قابل توجه در امر گزینش و سطح‌بندی محتوای زبانی ضروری برای آموزش به غیرفارسی‌زبانان را نیز دربرمی‌گیرد. تدوین‌گران محتوای آموزشی و درسی، طراحان آزمون‌های بسندگی و تعیین سطح و برنامه‌ریزان دوره‌های آموزشی نیز سایر افرادی هستند که از چنین چارچوبی منتفع می‌گردند. مزیت برجسته‌ی این چارچوب این است که چارچوب پیشنهادی مبتنی بر داده‌های عینی و

تجربی به دست آمده از مدرسان و فارسی‌آموزان است و در روند طراحی آن نظرات مدرسان، که برآمده از تجربیات گرانبه‌های سالیان تدریس ایشان بوده و نظرات زبان‌آموزان که تحت تأثیر نیازهای زبانی آنهاست، مورد توجه و مبنای عملکرد بوده است.

اجزای کلی و توصیفی چارچوب ارائه شده، برگرفته از چارچوب مرجع اروپایی است که یک چارچوب کلی و جامع است و در بسیاری از کشورهای اروپایی و غیر اروپایی مورد استفاده بوده و برای زبان‌های مختلف از جمله گروهی از زبان‌های هندواروپایی و غیر از آن، مورد تجربه قرار گرفته است و امروزه اغلب محتواهای آموزشی موفق در زمینه‌ی آموزش زبان دوم، با آن منطبق هستند و همواره در صورت وجود ضرورت بر همین اساس مورد بازنگری قرار می‌گیرند.^۱

بنابراین یک چارچوب مرجع صرفاً ابزاری برای ارزشیابی زبان‌آموزان نیست، بلکه ابزاری توصیفی است که سطوح مهارتی و توانشی زبان‌آموزان را با توجه به معیارهای خاص برای بافت‌های مختلف و موقعیت‌های زبانی گوناگون و حوزه‌های کاربرد متنوع تبیین می‌کند. هرچند می‌توان با توجه به همین توصیف‌ها چارچوبی را نیز برای ارزشیابی مهارت‌ها تعریف نمود. درواقع یک چارچوب ماهیت توصیفی دارد و تجویزی نیست. حتی بیان توصیف مهارت‌ها به معنای اجبار مدرس به آموزش موارد خاص مطرح شده نیست (نورث، ۲۰۰۷). چارچوب پیشنهادی فارسی نیز به علت باز و منعطف بودن به گونه‌ای طراحی شده که لازم نیست حتماً به شکل ارائه شده و فعلی مورد استفاده قرار گیرد و امکان کاهش یا افزایش موارد موجود، تغییر و بازنگری در آن نیز وجود دارد. هدف اصلی از طراحی

۱. برای نمونه می‌توان به مجموعه‌ی four corners اشاره کرد که اساساً بر اساس چارچوب مرجع اروپایی طراحی شده است، یا مجموعه‌ی interchange که از زمان معرفی این چارچوب بارها مطابق با آخرین تغییرات آن مورد بازنگری قرار گرفته است.

این چارچوب، کمک به کاربران و دست اندرکاران حوزه‌ی آموزش زبان فارسی، برای آگاهی یافتن از دامنه‌ی پوشش یک برنامه‌ی آموزشی یا آزمون مهارتی زبان است، تا بدانند اولویت‌های آموزشی هر حوزه‌ی مهارتی و سطح مهارتی متناسب با آن، در هر برنامه‌ی آموزشی یا در یک آزمون ارزشیابی مهارت‌های زبانی کدامند.

۳- ضرورت وجود یک چارچوب مرجع

کمبود منابع آموزشی زبان فارسی به غیرفارسی زبانان و به کاربردن شیوه‌های مبتنی بر استاندارد جهانی درکشور در خصوص آموزش این زبان به عنوان زبانی خارجی، ضرورت طراحی و تدوین چارچوبی مرجع را در این راستا آشکار می‌کند. مروری بر پیشینه‌ی موجود، نشان می‌دهد نقطه‌ی ضعف عمده و مشترک منابع موجود آموزشی در پیروی نکردن از استاندارد علمی و جهانی در تعریف سطوح مختلف آموزشی است، که منجر به نبود سطح‌بندی در برخی از کتاب‌ها یا ارائه‌ی سطح‌بندی مبتنی بر سلاقی مؤلف دربرخی دیگر انجامیده است. در پاسخ به این پرسش که اصلاً چرا به یک چارچوب برای آموزش زبان نیاز است، باید گفت که به طور کلی و عمومی به دلایل زیر وجود یک چارچوب برای آموزش زبان‌های مختلف لازم است:

۱. به علت افزایش روزافزون زبان آموزی و تدریس به منظور جابجایی بیشتر افراد در کشورهایی با زبان‌های گوناگون

۲. برای ایجاد تعاملات مؤثرتر با توجه به تفاوت‌های هویتی و فرهنگی بین گویشوران زبان‌های گوناگون

۳. برای یافتن دسترسی بهتر به اطلاعات

۴. برای برقراری تعاملات بیشتر بین فردی

۵. برای افزایش ارتباطات شغلی و حرفه‌ای

۶. برای افزایش درک دوجانبه عمیق تر در بین کشورهای مختلف

می‌توان گفت که به طور اخص دلایل زیر بر اهمیت وجود یک چارچوب

مرجع تاکید دارند، آن چارچوب راهنمایی برای یک دوره‌ی آموزشی از مقاطع پیش از ابتدایی تا آموزش بزرگسالان در نظام های آموزشی مختلف بوده و در تمام سطوح نیز تعریف شده باشد

۱. به منظور ایجاد و تسهیل همکاری بین مؤسسات آموزش زبان در کشورهای مختلف

۲. برای ایجاد یک مرجع مشترک با هدف تعیین کیفیت یادگیری یک زبان در نظام های آموزشی و کشورهای مختلف

۳. برای کمک به زبان آموزان در درک سطح دانش و مهارت زبانی خود و به منظور برنامه ریزی بهتر در راستای یادگیری و پیشرفت آتی

۴. برای کمک به مدرسان زبان در آگاهی یافتن نسبت به سطح دانش و مهارت زبان آموزان و برنامه ریزی بهتر در راستای بهبود آموزش و افزایش سطح دانش زبانی آنها

۵. برای کمک به طراحان دوره های آموزش زبان، به منظور طراحی دقیق تر و کارآمدتر دوره های آموزش زبان

۶. برای کمک به طراحان و مؤلفان کتاب های آموزش زبان، در راستای تطبیق بیشتر محتوای زبانی با نیازها، علایق و سطح مهارت زبانی زبان آموزان در هر سطح آموزشی از چارچوب مرجع

۷. برای کمک به مدیران آموزشی و مؤسسات آموزشی برای هماهنگ کردن فعالیت هایشان و ارزیابی دقیق تر عملکرد خود

چارچوب پیشنهاد شده در این کتاب که برآمده از تجربه‌ی سالهای متمادی تدریس زبان فارسی توسط جمع کثیری از اساتید و مبتنی بر نیازها و علایق زبان آموزان است، می تواند در تمام مواردی که در بالا اشاره شد، اعم

از ارزشیابی‌های زبانی و یا تهیه و تدوین کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و طراحی دوره‌های آموزش زبان فارسی در ایران و هر کجای دنیا مورد استفاده قرارگیرد. جا دارد که برای استانداردسازی آموزش زبان فارسی و ارتقاء این زبان در سطح بین‌المللی و ترویج هر چه بیشتر آن اقدام عملی انجام شود.

۴- خصوصیات یک چارچوب مرجع

یک چارچوب مرجع زبانی، مجموعه‌ای از توصیفات زبانی است که با توالی خاصی تنظیم شده‌اند، تا ترتیب مورد انتظار رشد و پیشرفت زبانی را در طول زمان نشان دهد (الافلین، ۲۰۰۷). یک چارچوب مرجع باید خصوصیات مختلفی داشته باشد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

یک چارچوب مرجع باید جامع، شفاف و منسجم باشد. منسجم بودن به این معنا است که باید تلاش کند کلیه جنبه‌های دانش زبانی، مهارت‌ها و کاربردها را تا حد امکان پوشش دهد و زبان‌آموزان بتوانند با ارجاع به آن اهداف خود را توصیف کنند. هم‌چنین باید بین ابعاد مختلف توصیف مهارت زبانی تفاوت قائل شود و مجموعه‌ای از نکات مرجع (سطوح یا گام‌ها) را ارائه کند که بتوان براساس آن پیشرفت یادگیری را سنجید. البته باید توجه داشت که مهارت ارتباطی شامل ابعاد دیگری هم می‌شود که همه‌ی آن‌ها زبان‌شناختی نیستند (مانند آگاهی اجتماعی فرهنگی، روابط احساسی و غیره). منظور از شفاف بودن این است که اطلاعات باید دقیق و روشن بیان شود، در دسترس باشد و به آسانی برای کاربران قابل درک باشد. منظور از منسجم بودن این است که در اجزای آن تضاد درونی وجود نداشته باشد. چنان‌که می‌دانیم اجزای یک نظام آموزشی به طور کلی شامل: تشخیص نیازها، تعیین اهداف، توصیف محتوا، گزینش یا تولید محتوا، اجرای برنامه‌ی آموزش یا یادگیری،

به‌کارگیری شیوه‌های آموزش یا یادگیری و سنجش و ارزشیابی می‌شود. در ارتباط با نظام‌های آموزشی، انسجام نیازمند روابط هماهنگ بین اجزای آن‌ها است.

یک چارچوب جامع و منسجم و شفاف یک نظام واحد و یکپارچه را تحمیل نمی‌کند. بلکه برعکس باز و منعطف است تا بتوان در صورت ضرورت آن را با شرایط خاص مربوط به تفاوت در زبان‌های مورد آموزش، تفاوت در ویژگی‌های زبان آموزان، تفاوت محیط یادگیری، تفاوت در اهداف آموزش، تفاوت در محتوای آموزشی و تفاوت‌های دیگر؛ تطبیق داد.

به‌علاوه، یک چارچوب مرجع باید:

- چندمنظوره باشد: یعنی برای اهداف متنوع با دیدگاه‌ها و شرایط آموزشی مختلف قابل استفاده باشد.

- انعطاف‌پذیر باشد: یعنی قابل تطبیق با شرایط مختلف باشد.

- باز باشد: یعنی بتوان آن را در صورت وجود ضرورت گسترش داد یا محدود کرد.

- پویا باشد: یعنی در پاسخ به تجربیات حاصل از کاربرد آن در عمل، دائماً تحول و تکامل پیدا کند.

- کاربرپسند باشد: یعنی به‌گونه‌ای ارائه شود که برای گروه هدف به راحتی قابل درک و کاربرد باشد.

- به دور از تعصب و تنگ‌نظری باشد: یعنی به طور مطلق و انحصاری به هیچ‌کدام از نظریه‌های زبان‌شناختی یا آموزشی وابسته و محدود نباشد.

طراحان دوره‌های آموزشی باید رویکرد جدید نهفته در چارچوب مرجع را مورد توجه قرار دهند و این به آن معنا است که برنامه‌های جدید که مدعی هستند بر مبنای یک چارچوب مرجع طراحی شده‌اند، باید ارتقاء توانش زبان‌آموز در بافت اجتماعی و تحصیلی را در درجه اول اهمیت قرار دهند. مدرسان نیز باید بپذیرند که انگاره‌ی جدیدی در آموزش زبان در حال شکل‌گیری است و امروزه دیگر دانستن تعداد بیشتری واژه یا ساختار دستوری

در درجه اول اهمیت قرار ندارد و آن چیزی که مهم است توانایی برقراری ارتباط مؤثر در سطوح مشخص مهارتی است. بنابراین مدرسان باید آگاه باشند که آموزش آن‌ها هم همراه با شیوه‌های ارزشیابی باید با این انگاره‌ی جدید هماهنگ باشد.

عمده‌ی دلایل گزینش چارچوب مرجع اروپا به عنوان مبنای نظری طراحی چارچوب بومی برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

فراگیر بودن چارچوب مرجع اروپا: این چارچوب از آن جهت فراگیر است که، علاوه بر کشورهای عضو اتحادیه اروپا در بسیاری دیگر از کشورها و برای زبان‌های مختلف دیگر از جمله فیلیپینی، ژاپنی، چینی، عربی و عبری نیز مورد استفاده قرار گرفته است و این نکته قابل توجه است که بسیاری از این زبان‌ها از خانواده‌ی زبان‌های هندواروپایی نبوده و تفاوت‌های ساختاری بسیار متنوعی دارند.

در دسترس بودن منابع و اسناد پایه و مبنایی چارچوب فوق: اکثر اسناد بالادستی، گزارش نشست‌ها، منابع کمکی و معرفی پروژه‌های مبتنی بر این چارچوب بدون محدودیت و به صورت منابع باز الکترونیکی و در زبان‌های مختلف، در اختیار پژوهشگران قرار دارد و این امر بررسی موارد فوق جهت تطبیق و الگوگیری و سنجش روند انجام کار را ممکن می‌سازد.

رویکرد کنش محور: مبنای این چارچوب رویکرد کنش محور و ارتباطی به زبان است که آن را قابل انطباق با جدیدترین روش‌های آموزش زبان و زیرمجموعه‌های رویکرد ارتباطی ساخته است.

خنثی و بافت‌آزاد بودن چارچوب مرجع اروپا از نظر زبانی: این چارچوب نظام بسته و غیر منعطفی ندارد، بلکه این قابلیت را دارد تا زبان‌های دیگر

نیز در قالب آن تعریف شود. به این معنا که کاربر چارچوب، خود با توجه به مشخصه‌های زبانشناختی زبان موردنظر، در مورد آنچه باید در هر سطح آموزش داده شود و ترتیب آموزش موارد مختلف تصمیم‌گیری نماید.

همچنین نمونه‌های عملی اجرا و پیاده‌سازی موفق این چارچوب نشان‌دهنده‌ی کیفیت قابل‌اعتنا و پشتوانه‌ی علمی و اثبات‌شده‌ی آن است. در حالی که سایر چارچوب‌های موجود، محدود به یک زبان خاص یا یک حوزه‌ی زبانی خاص مانند آموزش یا ارزشیابی، و خاص یک زبان بوده و اغلب غیرقابل انعطاف هستند.

به‌علاوه در چارچوب مرجع صرفاً به تعریف سطوح مهارتی و توانش‌ها بسنده نشده است و در طرح‌های مختلف محتوای آموزشی هر سطح و امکان اجرایی شدن و تطابق معیارها با تجربه‌های عملی سنجش و ارزشیابی شده است.

یکی از مهم‌ترین مزیت‌های چارچوب مرجع اروپا این است که در خود چارچوب، خصوصیات اختصاصی زبان (قواعد دستوری، واژگان و غیره) مشخص نشده است و کاربران می‌توانند آن را برای زبان خود و بافت آموزشی مورد نظرشان بومی‌سازی کنند و این نکته‌ای است که در هنگام طراحی چارچوب زبان فارسی نیز به‌دقت موردتوجه بوده است. یکی از مهم‌ترین راه‌های بومی‌سازی چارچوب مرجع، تولید توصیفگرهای سطوح زبانی اختصاصی برای هر زبان است (اصول کاربرد صحیح: ۴). بنابراین این چارچوب به‌عنوان منبعی موفق، تجربه‌شده و جهانی مبنای تولید چارچوب مرجع زبان فارسی قرارگرفت و با استفاده از قابلیت‌ها و انعطاف‌پذیری آن تلاش شد تا چارچوب فوق برای زبان فارسی بومی‌سازی شده و قالبی جدید و متناسب برای ارائه‌ی محتوای زبان فارسی فراهم گردد.

۵- تاریخچه‌ی مختصر چارچوب مرجع اروپایی

بر اساس نگرشی سیاسی و بنا به خواسته‌ی اعضای شورای اروپا برای ایجاد فضایی دموکراتیک در سطح کشورهای این قاره و دیگر کشورهای عضو، این چارچوب به عنوان یکی از اسناد شورای اروپا تدوین شد و هدف اصلی آن استانداردسازی مباحث مربوط به آموزش زبان در سطح اروپا بود. این اثر پس از پژوهشی ده ساله به خاطر نیاز به ایجاد و گسترش یک مبنای کلی برای تدوین برنامه‌های درسی، دستورالعمل‌ها و کتاب‌های درسی، نوشته شد. این چارچوب قسمت اصلی پروژه‌ای بزرگ‌تر با نام «یادگیری زبان برای شهروند اروپایی» است، که از سال ۱۹۹۱ آغاز شده و نیز نتیجه‌ی پژوهش‌های قبلی است، برای توصیف و سنجش کاربرد و توانایی در استفاده از زبان. به عبارت دیگری توان گفت این چارچوب نتیجه‌ی سه دهه تلاش در حوزه‌ی زبان‌های امروزی در شورای اروپا است. توسعه‌ی این چارچوب با تغییرات اساسی در عرصه‌ی آموزش زبان، یعنی حرکت از روش دستور- ترجمه به سوی رویکرد نقشی- مفهومی و رویکرد ارتباطی هم‌زمان بود. در حقیقت این چارچوب نتیجه‌ی نیازی بود که برای تولید یک چارچوب بین‌المللی مشترک برای یادگیری زبان احساس می‌شد و گمان می‌رفت می‌تواند مشارکت و همکاری میان مؤسسه‌های آموزشی در کشورهای مختلف (خصوصاً کشورهای اروپایی) را تسهیل نماید.

این چارچوب مختص یک زبان خاص نیست و می‌تواند برای تدوین منابع درسی آموزش زبان‌های خارجی مختلف نیز به کار رود. کاربرد این چارچوب در داخل و خارج از قاره‌ی اروپا خود، گواه این مدعا است. لوتی^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی کاربرد این چارچوب در زبان‌های بومی و زبان اقلیت‌ها پرداخته است. نتایج این پژوهش به کاربرد این چارچوب در آموزش زبان‌های ولزی (در بریتانیا)، ایرلندی (در ایرلند شمالی)، باسک و

کاتالان (در اسپانیا)، فریزی (در هلند)، سامی (در فندلاند) و اسلونیائی (در ایتالیا) اشاره می‌کند. شورای اروپا^۱ (۲۰۰۵)، نیز به منظور جمع‌آوری اطلاعات، پیرامون میزان شناخت و کاربرد این چارچوب در کشورهای مختلف و در سطح آموزشگاهی به نظرسنجی پرداخت. این نظرسنجی در قالب یک پرسش‌نامه در سایت اتحادیه‌ی سیاست‌گذاری زبانی منتشر شد و به همه‌ی آدرس‌های موجود در شورای اروپا فرستاده شد. این پرسش‌نامه از پرسش‌های کوتاه و مختصری تشکیل شده بود. نتایج این نظرسنجی که از بررسی پاسخ ۱۱۹ شرکت‌کننده در این طرح از ۳۷ کشور اتحادیه‌ی اروپا، مصر و مکزیک به دست آمد، نشان داد که بیش‌ترین تأثیر این چارچوب در حوزه‌های آموزش مدرسان، تهیه و تدوین کتاب‌های آموزشی و آزمون و ارزشیابی بوده‌است. نتایج پاسخ به پرسشی که میزان آشنایی این مؤسسات با چارچوب مرجع اروپایی و مفید بودن آن را می‌سنجید، نیز حاکی از فراگیر بودن این چارچوب بود. مخیا^۲ (۲۰۱۱) از کاربرد این چارچوب در برنامه‌ی ملی دوزبانگی وزارت آموزش کلمبیا^۳ در سال ۲۰۰۴ مبنی بر ارائه‌ی امکان یادگیری دوزبان انگلیسی و اسپانیایی با استفاده از چارچوب مرجع اروپایی سخن می‌گوید. نیشی‌یاما^۴ (۲۰۰۹) نیز کاربرد این چارچوب را در کشورهای شمال شرق آسیا و خصوصاً ژاپن در تدوین برنامه‌های درسی بررسی کرده است. وی با مطالعه‌ی بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای آسیای شمال شرقی و بررسی این موارد در تدوین برنامه‌های آموزش زبان‌های خارجی مانند انگلیسی و فرانسه و نیز تدوین دوره‌های آموزش زبان‌های آسیایی برای خارجیان، نتیجه گرفته است که با توجه به خصوصیت کل‌نگرانه‌ی^۵ نهفته در این چارچوب، می‌توان

1. Council of Europe

2. Mejia

3. The National Bilingual Programme in Colombia

4. Nishiyama

5. Universal

با تلاش برای تطبیق آن با بافت اجتماعی و فرهنگی کشورهای آسیای شمال شرقی، آن را کاربردی و بومی نمود.

البته چارچوب مرجع همان طور که خود معترف است، محدودیت‌هایی نیز دارد و تنها یک چارچوب پیشنهادی کلی است. درواقع جنبه‌های زبانی مختلف دیگری نیز ممکن است در جهان واقع وجود داشته باشد و ممکن است خواسته‌های مؤسسات آموزشی لزوماً با این چارچوب هم‌خوانی نداشته باشد، به همین دلیل است که این چارچوب یک چارچوب بسته نیست و با کمک تجربیات کاربران به طور مداوم در حال ارزیابی و بازنگری و اصلاح است. برای نمونه می‌توان به بازنگری‌های پیشنهادی، حاصل از دو پروژه‌ی تحقیقاتی مجزا در موسسه ایکوالز^۱ و آلت^۲ اشاره نمود که سطوح زبانی را از شش سطح به یازده سطح افزایش داده‌اند.

با توجه به نکات ذکر شده و بررسی مشخصات کلی و شکل‌دهی اهداف آموزشی در چارچوب مرجع اروپایی، می‌توان نتیجه گرفت که تنها عنصر اروپایی این چارچوب، تدوین آن توسط گروهی از کارشناسان اروپایی و در محل شورای اروپا است و در واقع این چارچوب به نوعی فرامرزی و جهانی است. با توجه به موفقیت کشورهای مختلف، با پیش‌زمینه‌های فرهنگی و زبانی متفاوت در استفاده از این چارچوب برای توسعه‌ی آموزش زبان خود، می‌توان انتظار داشت که بومی‌سازی آن برای زبان فارسی و براساس بافت فرهنگی و اجتماعی ایران نیز امکان‌پذیر باشد. در همین راستا محققان در تلاش برای بومی‌سازی این چارچوب، به تهیه و تدوین یک چارچوب مرجع مختص زبان فارسی پرداخته‌اند.

۶- مفهوم مهارت زبانی

مهارت زبانی یا تسلط زبانشناختی بر یک زبان، یعنی توانایی فرد برای

1. EQUALS

2. ALTE

سخن گفتن به یک زبان یا انجام تعامل گفتاری و غیرگفتاری به آن زبان. کامینز^۱ (۱۹۸۴) می‌گوید گروهی از محققان مهارت زبانی را داشتن تسلط بر ۶۴ جزء زبانی متفاوت ارزیابی نموده‌اند و در مقابل گروهی دیگر آن را صرفاً متشکل از یک عامل جهانی می‌دانند. والدز^۲ و فیگوئرا^۳ (۱۹۹۴، ۳۴) اظهار داشته‌اند: «دانستن زبان چیزی فراتر از دیدگاه ساده‌ی داشتن تلفظ صحیح، دانستن دستور زبان درست و حتی تسلط بر قواعد ادب است. دانستن یک زبان و چگونگی کاربرد آن مهارت و تسلط بر اجزاء و عوامل متعدد و مرتبط با هم است، که تحت تأثیر ماهیت موقعیت وقوع یک مکالمه است». اولر^۴ و دامیکو^۵ به طور خلاصه اشاره می‌کنند، از آنجا که ماهیت و ویژگی‌های اختصاصی مهارت زبانی از پیش تعیین شده و مشخص نیست، بحث و اختلاف نظر در مورد این مفهوم در بین متخصصان همچنان ادامه خواهد داشت.

شورای ایالتی کارکنان مدارس^۶ در امریکا، مهارت زبانی را برای زبان انگلیسی چنین تعریف می‌کند: «کسی که در زبان انگلیسی مهارت دارد می‌تواند به این زبان سوال بپرسد، صحبت‌های معلمان را بفهمد، مفهوم مطالب نوشتاری را درک کند، ایده‌ها و عقاید را ارزیابی کند و آنچه را در کلاس درس گفته می‌شود به چالش بکشد. چهار مهارت زبانی در مجموع تسلط زبانی را تشکیل می‌دهند:

۱. مهارت خوانداری - توانایی درک و تفسیر متن متناسب با سن و سطح آموزشی مربوطه.

۲. مهارت شنیداری - توانایی درک گفتار معلم و دستورالعمل‌های او، درک

1. Cummins

2. Valdés

3. Figueroa

4. Oller

5. Damico

6. The Council of Chief State School Officers (CCSSO)

و استخراج اطلاعات و دنبال کردن گفتمان آموزشی است که معلم از طریق آن اطلاعات ارائه می‌کنند.

۳. مهارت نوشتاری - توانایی تولید متون نوشتاری با محتوا و قالب انجام تکالیف کلاسی متناسب با سن و سطح متن.

۴. مهارت گفتاری - توانایی کاربرد شفاهی زبان به‌طور مناسب و موثر در فعالیت‌های یادگیری (مانند آموزش خصوصی، فعالیت‌های یادگیری تعاملی و جلسات پرسش و پاسخ) در کلاس درس و تعاملات اجتماعی در مدرسه (۱۹۹۲، ۷ همان).

کاناله^۱ (۱۹۹۴) نیز یک تعریف کاربردی از مهارت زبانی ارائه می‌دهد. تعریف او از کاربرد (مهارت) زبانی مبتنی بر مبانی اجتماعی و نظری است. به این معنا که زبان را چیزی بیشتر از اجزاء گسسته (مانند تلفظ، واژگان و دستور زبان) می‌داند. زبان درون یک فرهنگ به منظور انتقال عقاید و آداب و رسوم آن فرهنگ گسترش می‌یابد. کاناله معتقد است که (مهارت) کاربرد زبان خصوصیات زیر را دارد:

پویا و بافت محور است (یعنی بسته به شرایط، جایگاه سخنگویان و موضوع متفاوت است)؛

استدلالی است (لازمه‌ی آن گفتار مداوم است)؛ و

نیازمند کاربرد مهارت‌های متعدد برای دستیابی به توانش ارتباطی است (همان، ۶۰)

به بیان دیگر، مهارت زبانی را می‌توان به یک گروه موسیقی تشبیه نمود که تمامی اجزاء آن مانند واژگان، ساختار گفتار و حرکات؛ باید برای تبادل معنا در یک بافت مشخص (مثلاً در کلاس)، به صورت هماهنگ با هم عمل کنند.

۷- سطوح مرجع مهارت زبانی

توصیف سطوح مهارتی به صورت دسته‌بندی شده از جهات مختلف، بسیار

مفید است. در این حالت به راحتی می‌توان دریافت که در سطوح مختلف در هر مقوله و دسته‌بندی، به چه توانشی می‌توان و باید دست یافت. این خود باعث می‌شود که در مورد اهداف یادگیری نیز بتوان به تعریفی شفاف و واقعی دست یافت.

یادگیری که در طول زمان حاصل شده، باید به صورت واحدهایی طبقه‌بندی شود، تا سیر پیشرفت را در طول زمان نشان داده و ادامه‌ی آن را تضمین و پیش‌بینی کند. طرح درس‌ها و محتوای آموزشی باید در ارتباط باهم مشخص باشند و تعیین چارچوب سطوح به این امر نیز کمک می‌کند. تهیه‌ی مجموعه‌ای کلی از مهارت‌ها، مقایسه‌ی اهداف، سطوح، محتواها، آزمون‌ها و پیشرفت در نظام‌ها و موقعیت‌های مختلف آموزشی و تحصیلی را آسان‌تر می‌کند.

البته باید توجه داشت که سطوح مهارتی تنها بخش محدودی از روند یادگیری را نشان می‌دهد. زبان آموز می‌تواند بدون افزایش سطح مهارتی، در یک مقوله خاص توانایی‌های کُنشی خود را بالا ببرد. تلاش برای تبیین سطوح مهارت مانند هر حوزه‌ی علمی یا مهارتی دیگر تا حدودی سلیقه‌ای است. به هر حال برای مقاصد آموزشی، قراردادن معیارهایی برای تعیین سطوح به منظور بخش‌بندی فرایند یادگیری و طراحی برنامه درسی و توصیف آزمون‌ها مفید است. تعداد معیارها و مرز آن‌ها شدیداً وابسته به میزان تخصصی بودن نظام آموزشی و هدف تعیین معیارها است. می‌توان حتی برای فرایند تعیین معیار و توصیف‌های سطوح مهارتی نیز قاعده‌هایی را تعریف کرد.

آلدرسون^۱ (۱۹۹۱) بین سه نوع معیار مهارت یعنی: کاربر-محور، آزمون‌گر-محور و سازنده-محور تمایز نقشی قائل شده است. معیارهای توصیف سطوح مهارت زبانی می‌توانند بنا به نیاز و انتخاب کارشناسان مربوطه یکی